

اخلاق در باستان‌شناسی؛ تبیین، بررسی و نقد اخلاق در تئوری و عمل باستان‌شناسی ایران

بهرروز افخمی*

استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی

نعمت حریری

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی

سمانه فرّخی عیسوند

دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی

(از ص ۲۱ تا ۳۶)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۱۰/۳۰؛ تاریخ پذیرش قطعی: ۹۵/۰۶/۰۳

چکیده

انسان، اساساً موجودی اخلاقی است که در فرآیند زمان، جنبه‌های اخلاقی آن نمود پیدا کرده است. امروزه با جمع‌گرایی و فعالیت‌های جمعی، خواست فطری آدمی به شکل دیگری در امور و فعالیت‌های شغلی و حرفه‌ای جلوه‌گر شده است که تحت عنوان «اخلاق حرفه‌ای» از آن نام برده می‌شود؛ اخلاق حرفه‌ای در تمامی دانش‌ها، ضرورتی انکارناپذیر است که اصول مدون آن برای هر رشته دانشگاهی تدوین شده است؛ به طوری که فقدان آن در هر رشته‌ای، به آن آسیب می‌زند. در مجامع باستان‌شناسی جهان، نزدیک به سه دهه است که پژوهشگران حوزه باستان‌شناسی کارهای خود را مبتنی بر اخلاق حاکم در این حرفه پیش می‌برند. با وجود این، دانش باستان‌شناسی ایران که عمری هفتادساله دارد، اخلاق حرفه‌ای را در آموزش و عمل تجربه نکرده است! هدف این مقاله، علاوه بر تبیین جایگاه اخلاق در باستان‌شناسی جهان، نشان دادن فقدان جایگاه اخلاق حرفه‌ای در آموزش و عمل باستان‌شناسی ایران است. این پژوهش با رویکردی انتقادی، موضوعاتی همچون اهمیت اخلاق، پیشینه و چارچوب اخلاق در باستان‌شناسی، اخلاق در تئوری و عمل باستان‌شناسی ایران را نقد و بررسی کرده است.

واژه‌های کلیدی: اخلاق باستان‌شناسی، تئوری و عمل، رویکرد انتقادی، باستان‌شناسی ایران

* رایانامه نویسنده مسئول: bafkhami@uma.ac.ir

۱. مقدمه

امروزه مباحث اخلاقی بیشتر بر روابط فردی تأکید دارد، در حالی که دستورالعمل‌های اخلاق حرفه‌ای برای کمک به متخصصان به منظور رسیدن به اهداف تخصصی با شرایطی پیچیده‌تر است. اخلاق حرفه‌ای در باستان‌شناسی مشروط است و بر اساس استدلال‌های اخلاقی، دیدگاه‌های جهانی و اهدافی مشخص با روش‌های معین برای ارتباط و نوع مواجهه با گذشته نوع بشر و آثار به‌جامانده از آن تدوین می‌شود. اصول اخلاقی و شاخص‌های رفتاری در تدوین اخلاق حرفه‌ای باستان‌شناسی همواره در حال تغییر و پیشرفت تلقی می‌شوند و هرگز قطعی نیستند؛ چراکه فقط از طریق چنین فرآیند فعالی است که باستان‌شناسان می‌توانند پاسخگوی اعمال خود باشند. با وجود این، داشتن شاخص‌هایی اصولی برای اخلاق حرفه‌ای در باستان‌شناسی، موضوعی بنیادی است. تصمیم‌گیری درباره چیزی که مهم است، مهم‌ترین بخش و تعیین نحوه دستیابی و دسترسی به میراث باستان‌شناختی، بخش مهم دیگری از اخلاق باستان‌شناختی است. نوع مواجهه با مردم محلی، القاء اهمیت میراث فرهنگی، شیوه حفاظت و تفسیر عمومی و اتخاذ روش‌های تفسیری؛ از جمله شاخص‌هایی است که در اخلاق حرفه‌ای باستان‌شناسی جهان لحاظ شده است. با وجود این، متأسفانه دانش باستان‌شناسی ایران که عمری هفتادساله دارد، اخلاق حرفه‌ای را در آموزش و عمل تجربه نکرده است؛ به همین دلیل باستان‌شناسی ایران، فاقد هرگونه روش‌شناسی و معیاری پذیرفتنی برای یافته‌های مختلف در حوزه بی‌کران میراث فرهنگی ملاموس و ناملموس کشور است. به دلیل نبود شاخص‌های اخلاقی مدون، بیشتر باستان‌شناسان ایرانی به محوطه‌های حفاری شده خویشتن احساس مالکیت دارند، در حالی که میراث فرهنگی به مفهوم عام، به همه ایرانیان گذشته، حال و آینده تعلق دارد و همه باید بتوانند از منظرهای مختلف، پدیده‌های میراثی را مطالعه کنند. هدف این مقاله، علاوه بر تبیین جایگاه اخلاق در باستان‌شناسی جهان، نشان دادن فقدان جایگاه اخلاق حرفه‌ای در آموزش و عمل باستان‌شناسی ایران است. این پژوهش با رویکردی انتقادی، موضوعاتی همچون اهمیت اخلاق، پیشینه و چارچوب اخلاق در باستان‌شناسی، اخلاق در تئوری و عمل باستان‌شناسی ایران را مطالعه کرده است.

تاکنون به موضوع اخلاق و اهمیت آن در باستان‌شناسی ایران، آن‌چنان‌که باید پرداخته نشده است. نبود واحد درسی مستقل با این عنوان در دروس دانشگاهی^۱ و همچنین فقدان بایدها و نبایدهای اخلاقی مدون برای بررسی‌ها و کاوش‌های میدانی، از جمله کمبودهای این حوزه در ایران است. درباره پیشینه پژوهش اخلاق باستان‌شناسی در ایران می‌توان به دو اثر ترجمه شده *اخلاق باستان‌شناسی؛ دیدگاه‌های فلسفی در باستان‌شناسی* (اسکار و جفری اسکار، ۱۳۹۴؛ Scarre and G.F Scarre, 2009) ترجمه حسین صبری و همچنین مقاله *«اخلاق در باستان‌شناسی»* (جوکوفسکی، ۱۹۸۰ - Zhukovski) ترجمه سپیده مازیار اشاره کرد که این مقاله در ۱۳۸۹ در مجله باستان‌پژوهی به چاپ رسیده است. تنها پژوهشی که درباره اخلاق در باستان‌شناسی ایران انجام شده، مقاله *«بی‌مسئولیتی در باستان‌شناسی»* است که مرتضوی (2010) در مجله باستان‌شناسی استونی (Estonian Journal of Archaeology) به چاپ رسانده است، اما در جهان کسانی همچون مارک جی. لینوت (Mark J. Lynott) و آلایسون ویلی (Alison Wylie) (2000) با انتشار کتاب *اخلاق در باستان‌شناسی آمریکا*، سارا تارلو (Sarah Tarlow) (2001) در طی مقاله‌ای با نام *«رمزگشایی کدهای اخلاقی»*، درومک گیل (Dru

Mcgill (2014) با مقاله‌ای به نام «اخلاق در باستان‌شناسی» و بسیاری از اندیشمندان دیگر در این زمینه مطالعه و بحث کرده‌اند که در پژوهش حاضر به آنها اشاره شده است.

این پژوهش از نوع کیفی است که با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده و هدف از آن، نشان دادن جایگاه اخلاق در باستان‌شناسی جهان و تبیین، بررسی و نقد اخلاق در تئوری و عمل باستان‌شناسی ایران با رویکرد انتقادی و با هدف کاربردی بوده است.

۲. اخلاق

واژه «اخلاق» جمع خلق است که در لغت به معنای سرشت و سنجیه آمده است (بهشتی، ۱۳۹۳: ۲۴). از مصادیق اخلاق می‌توان به سجایای نیکو و پسندیده مانند راست‌گویی و پاک‌دامنی، یا سجایای زشت و ناپسند مانند دروغ و آلوده‌دامنی اشاره کرد (باقری و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۲). اخلاق با ارزیابی انتقادی رفتار و شخصیت انسانی سروکار دارد. بین قضاوت‌های اخلاقی و عینی از نظر نوع، مرز قاطعی وجود دارد (اسکار و جفری اسکار، ۱۳۹۴: ۳). در طی سالیان دراز مبحث اخلاق و منزلت و نقش علم اخلاق در ارتقای آدمی به فضای اخلاقی و رسیدن به سعادت و زندگی خوب، از مهم‌ترین دغدغه‌های بشری بوده است (مهرنیا، ۱۳۸۹: ۹۶). از جمله دیدگاه‌های موجود در علم اخلاق متعلق به افلاطون است که اخلاق را نظریه‌ای مطلق‌انگارانه می‌پندارد که بر اساس آن، هر کار خلاف اخلاق یا عمل بد را نتیجه جهل می‌داند و معتقد است کسی از روی آگاهی کار نادرست انجام نمی‌دهد. او همچنین اعتقاد داشت که قواعد اخلاقی در تمامی شرایط ثابت و مطلق هستند. ارسطو برخلاف اسلاف خود که رفتار و امور اخلاقی را به قوانین طبیعت استناد می‌دادند، تلاش کرد برای مسائل اخلاقی، راهی تجربی و علمی بیابد (همان: ۹۷). به اعتقاد ارسطو، فعالیت‌های انسان در جهت رشد و شکوفایی قابلیت‌های نفس و کسب فضایل اخلاقی همواره با احساس لذت همراه است و اگرچه غایت کارهای ما احساس لذت نیست، تمامی تلاش‌هایمان با لذت همراه است. لذت، هدفی ثانوی است و در صورتی که کنترل نشود و فرد پیوسته به دنبال آن باشد، به اهداف اولیه ضرر می‌رساند و مانع رشدونمو فضایل اخلاقی در انسان می‌شود. علم اخلاق ارسطویی را در مجموع می‌توان اخلاقی عقل‌گرایانه، غایت‌انگارانه، سببی‌گرایانه، رئالیستی و تا حدودی تجربی دانست (همان: ۱۰۱).

لوئیس پویمان (Louis Poeman) در کتاب *اخلاق زیست‌محیطی*، مسائل اخلاقی را به دو بخش نظری (در ارتباط با شأن و منزلت اخلاقی انحصاری انسان) و بخش عملی (شامل در نظر گرفتن شأن اخلاقی برای حیوانات یا کل طبیعت) تقسیم کرده است. علم اخلاق، شاخه‌ای از فلسفه و مرتبط با سیرت مسائل و قضاوت‌های اخلاقی است. این علم درباره رفتار خوب، بد، درست و غلط بحث می‌کند. علم اخلاق حرفه‌ای؛ عقاید، ارزش‌ها و رهنمودهای مشترکی را برای رفتار درست اعضای یک حرفه خاص ارائه می‌کند (Beaudry 2009: 19). اخلاق حرفه‌ای دو مرتبه دارد؛ مسئولیت اخلاقی فرد در زندگی و مسئولیت اخلاقی سازمان‌ها در قبال عناصر محیط داخلی و خارجی (باقری و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۳). اخلاقیات هر حرفه‌ای نمی‌تواند جدا از اخلاقیات محض درک شود (Scarre and G.F scarre 2009: 4). اخلاق حرفه‌ای به‌عنوان شاخه‌ای از دانش اخلاق، تکالیف اخلاقی در هر حرفه و مسائل اخلاقی آن را بررسی می‌کند و در صدد ارائه شیوه‌ها و دستورالعمل‌هایی است که این تکالیف را برای

افراد و گروه‌های حرفه‌ای تعیین کند (عاملی، ۱۳۸۸: ۱۱۵). چارچوب علمی و روش‌شناسی دانش باستان‌شناسی، تعریف و تبیین اخلاق حرفه‌ای باستان‌شناسی را در دو بخش نظری و عملی اجتناب‌ناپذیر کرده است.

۳. پیشینه و چارچوب اخلاق در باستان‌شناسی

ارزش‌های اخلاقی از نظر فرهنگی متغیر هستند، ولی اغلب به طور گسترده با جوامع فرهنگی مختلف به اشتراک گذاشته می‌شوند (Tarlow, 2001: 248). اخلاق در باستان‌شناسی موضوعات گسترده‌ای را شامل می‌شود که از جمله آنها عبارت‌اند از: ارتباط علمی - عقلایی با همکاران باستان‌شناس، باستان‌شناسان و مصادیق میراث فرهنگی، دانشجویان، حاکمیت و دولت، مردم و جوامع محلی، همه طبقات مختلف مردم، مردم و میراث فرهنگی و اموال فرهنگی، تاریخی و هنری (Rae Gould, 2014: 5161). اخلاق صرف‌نظر از مکان، تخصص، رتبه، میراث فرهنگی، جنسیت یا سن، بخش عرفی مهم هر کار باستان‌شناسی است. هویت‌های تاریخی و فرهنگی، درگیری‌های قومی، استعمار (پسااستعمار)، جهانی‌شدن، نابرابری‌های ساختاری، بازارهای غیرقانونی، توسعه، ناسیونالیسم، امپریالیسم و تروریسم، همگی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم با باستان‌شناسی عملی در ارتباط هستند (McGill, 2014: 2458). اخلاق و مبانی ارزشی باستان‌شناسی را می‌توان در دو حوزه چارچوب جهانی و چارچوب محلی بررسی کرد. قبل از جنگ جهانی دوم، انجمنی شامل ده نفر و به ریاست جان چمپ (John Champe) تشکیل شد و چهار بیانیه برای باستان‌شناسی ارائه داد. سومین بیانیه این انجمن به برخی مسائل مانند علم اخلاق، تأکید بر نیاز ادامه در دسترس بودن ثبت و گزارش‌های کافی برای دانشمندان توجه می‌کرد (Lynott & Wylie, 2000: 16). آلیسون ویل، باستان‌شناس و فیلسوف علمی معتقد بود که برخی از ویژگی‌های باستان‌شناسی به عنوان یک اصل به دقت با مسائل اخلاقی پیوند خورده است. قبل از دهه ۱۹۷۰ برخی باستان‌شناسان مفهوم رفتار مناسب اخلاقی را به صورت فردی، بر اساس نقشی که افراد در طی دوره آموزشی و تجربیات شخصی بعدی خود در محل کار یا در میدان نمایش می‌دهند، توسعه دادند (Beaudry, 2009: 17). مجموعه این پیشرفت‌ها از ۱۹۷۰ رشد این مفهوم را در میان باستان‌شناسان حرفه‌ای، به‌ویژه آنهایی که در ایالات متحده آمریکا و انگلیس بودند، منعکس کرد که برای مواجهه با مسائل اخلاقی که در حین کار با آن مواجه می‌شوند، به برخی از رویکردهای ساختاری نیاز دارند (Beaudry, 2009: 17). گزارش بلمونت (Belmont) (۱۹۷۹) سه اصل اخلاقی حاکم را چنین معرفی می‌کند: ۱- اصل احترام به افراد؛ ۲- اصل تکریم؛ ۳- اصل عدالت (Scarre and G.F. Scarre 2009: 103). تقریباً از دهه ۱۹۸۰ باستان‌شناسان، خود، مطالب و کتاب‌های بسیار عالی و نوآورانه‌ای در زمینه اصول اخلاقی رشته باستان‌شناسی نوشته‌اند و تعدادی مرجع مهم و معتبر هم در این زمینه به چاپ رسیده است (اسکار و جفری اسکار، ۱۳۹۴: ۱).

انجمن‌ها و سازمان‌های باستان‌شناسی و انسان‌شناسی حرفه‌ای در سال‌های اخیر برخی شاخص‌های اخلاقی را معرفی کرده‌اند؛ این سازمان‌ها عبارت‌اند از: کنگره باستان‌شناسی جهان (۱۹۹۰) که نخستین شاخص اخلاقی را ارائه داد؛ باستان‌شناسان حرفه‌ای^۲ (۱۹۹۵) مبنای رفتاری و استانداردهای عملکرد پژوهشی را معین ساخت؛ انجمن باستان‌شناسی آمریکا^۳ (۱۹۹۶) اصول اخلاقی باستان‌شناختی را تعریف کرد؛ مؤسسه باستان‌شناسی آمریکا^۴ (۱۹۹۰) شاخص‌های اخلاقی و معیار استانداردهای حرفه‌ای را وضع کرد و انجمن

باستان‌شناسان اروپا^۵ (۱۹۹۷) شاخص‌های اخلاقی را ارائه داد (Tarlow, 2001: 245-246). انجمن‌های وابسته به موزه‌ها و شورای بین‌المللی موزه‌ها نیز استانداردهای مربوط به خود (همانند کد اخلاق حرفه‌ای شورای بین‌المللی موزه‌ها (ICOMOS) (۱۹۸۶)، منشور حفاظت و مدیریت میراث باستان‌شناختی (۱۹۹۰) و معیارهای اخلاقی برای موزه‌های انجمن موزه‌های آمریکا (۱۹۹۱)) را ارائه داده‌اند (Ibid:246).

از نظر درومک گیل، شاخص‌های اخلاقی باستان‌شناسی از یک سازمان تا سازمانی دیگر با توجه به علایق و اهداف گروه و بافت‌های اجتماعی و سیاسی که این شاخص‌ها بر مبنای آنها نوشته می‌شوند، بسیار متفاوت‌اند. شاخص‌های باستان‌شناسی در سه دسته طبقه‌بندی می‌شوند: نخستین گروه، شامل استانداردها و شاخص‌های رفتاری است که سازمان‌های حرفه‌ای تنظیم کرده‌اند؛ مانند باستان‌شناسان حرفه‌ای در ایالات متحده آمریکا، موسسه باستان‌شناسی انگلستان و انجمن استرالیایی باستان‌شناسان مشاور. گروه دوم نیز مرکب از کدها و اظهارات اتخاذ شده از جوامع ملی و بین‌المللی می‌باشد که وظایف ویژه باستان‌شناسان در ارتباط با مردمان بومی را گسترش می‌دهد. انجمن‌های باستان‌شناسی کانادا، استرالیا، و نیوزلند و همین‌طور کنگره جهانی باستان‌شناسی همگی اظهاراتی در این راستا دارند. گروه سوم از اسناد اخلاقی، بیانیه‌های عمومی شامل اهداف، اصول و مسئولیت‌هایی همچون اصول اخلاق باستان‌شناسی جامعه باستان‌شناسی آمریکا و اصول اخلاقی جامعه برای باستان‌شناسی تاریخی را دربر دارد (McGill & et al. 2012: 182-183). مشارکت باستان‌شناسی با علم اخلاق به ایجاد سه مؤسسه در یوتا^۶ انجامید: یکی از این مؤسسات در جولای سال ۲۰۰۰ تشکیل شد که با امتیاز جامعه تاریخی دولت یوتا حمایت می‌شد و دو موسسه دیگر در تابستان سال ۲۰۰۱ که مورد حمایت امتیاز انجمن کمک‌های مردمی قرار گرفتند. از جمله اصول این مؤسسات، تفسیر و اجرای قوانین مربوط به محافظت محوطه‌ها و موافقت با آنها، نحوه کار در محوطه‌ها، تضمین احترام به محوطه و محفوظ شمردن قوانین و علایق مردم بومی/ محلی بود (M.Moe & et al. 2002: 110). هیچ شاخص اخلاقی جهانی نمی‌تواند پیچیدگی‌های ظریف اجتماعی و سیاسی‌ای را دربر گیرد که باید روزانه در عمل، آموزش و حرف زدن از باستان‌شناسی درباره آنها بحث شود. اغلب معیارهای اخلاقی باستان‌شناسی ویژگی پندآموزی دارند تا قانونی و در اکثر موارد، محدودیت‌هایی قانونی بر اقدامات و شیوه‌های عملی نیستند (Tarlow, 2001: 247). بدیهی است که ارزش‌های اخلاقی به منظور فهماندن معیارهای اخلاقی و نه قانونی به کار گرفته می‌شوند؛ بنابراین، اخلاق زمانی بروز می‌یابد که اجبار قانونی وجود نداشته باشد یا تنها بخشی از قانون حاکم باشد (Frigo, 2009: 50).

هر حرفه‌ای اخلاقیات خاصی را اقتضا می‌کند که متفاوت از حرفه‌های دیگر است (باقری و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۴؛ عاملی، ۱۳۸۸: ۱۱۶). مبحث اخلاق را پیش از آنکه شخص یا سازمان خاصی برای باستان‌شناسی دیکته کند، باید خود باستان‌شناسان در جهت تدوین آن اقدام کنند؛ زیرا آنها بیشتر از هرکس دیگری به علت جایگاه و تبحر و نظارتشان بر اسناد باستان‌شناختی و طرز تلقی‌ای که از موضوعاتی همچون غارت آثار دارند؛ استفاده تجاری از اشیاء حفاری اقتصادی، مجموعه‌داری یا موارد دیگر را غیراخلاقی می‌دانند (Wylie, 2000: 32). باستان‌شناسان در انجام وظایف خود، اغلب با تصمیمات و وظایف اخلاقی در تعامل با مردم؛ جمع‌آوری، استفاده، گزینش و یا رد شواهد و مسئولیت در انتشار گزارشات یا استانداردهای حرفه‌ای دیگر مواجه می‌شوند (McGill, 2014: 2458). باستان‌شناسان باید به دنبال خوب‌ترین‌ها در حرفه خود باشند؛ شناسایی و تصمیم‌گیری درباره اینکه

این خوبی‌ها چه چیزهایی هستند، بخش مهم اخلاقیات باستان‌شناسی است. بخش دیگر، نحوه دستیابی به آنهاست؛ به طوری که این خوبی‌ها، مشروع و قانونی باشند. مسئله اینجاست که این بخش خود هشدار است مبنی بر اینکه متعالی‌ترین خوبی‌ها برای کار باستان‌شناسی ممکن است با بهترین خوبی‌های دیگر گروه‌های انسانی مطابقت نداشته باشد؛ برای مثال، بعضی از جوامع محلی هنوز هم برخی از گورستان‌های باستانی برایشان مقدس است و حفاظت و احترام بقایای اجدادشان در مغایرت با غایت کار باستان‌شناسان است (Scarre & G. F Scarre, 2009: 3). مردم از باستان‌شناسی جدا هستند؛ چراکه از گذشته استفاده‌های دیگری می‌کنند و روش‌های دیگری برای پیوند با آن دارند؛ از جمله تاریخ شفاهی، مهارت‌های سنتی و حتی خود حفاری؛ روش‌هایی که شاید نزد باستان‌شناسان چندان ارزشمند نباشند و نتوان به راحتی آنها را به اشتراک گذاشت. با وجود این، در دوره‌های اخیر، باستان‌شناسان تاریخ شفاهی را به عنوان منبع اطلاعاتی ارزشمند برای اسناد باستان‌شناختی به رسمیت شناخته‌اند (اسکار و جفری اسکار، ۱۳۹۴: ۱۱۴).

معیارهای اخلاقی را می‌توان در باستان‌شناسی با توجه به کاوش، کشور، مردم و دیگر باستان‌شناسان، به عنوان تعهدات حرفه‌ای یا غیرحرفه‌ای تعریف کرد. کسی که عضو گروه باستان‌شناسی است، باید قابل اعتماد، سخت‌کوش و دقیق باشد و صادقانه و منصفانه همه وظایفی که در قبال گروه، مردم و همکارانش دارد، انجام دهد و اصول اخلاقی مشخصی را رعایت کند (جوکوفسکی، ۱۳۸۷: ۲).

در ادامه علاوه بر اشاره به چارچوب‌های شاخص‌های اخلاقی معتبر باستان‌شناسی جهان، نظر و دیدگاه باستان‌شناسان صاحب‌نظر در حوزه اخلاق باستان‌شناسی نیز آورده می‌شود. نخستین آیین‌نامه اخلاقی کنگره جهانی باستان‌شناسی، اصول و الزام‌هایی را به شرح زیر به رسمیت می‌شناسد:

۱. اذعان به اهمیت میراث فرهنگ محلی (شامل محوطه‌ها، مکان‌ها، اشیاء، صنایع دستی و بقایای انسانی) برای بازماندگان فرهنگ‌های محلی؛

۲. اذعان به اهمیت حفاظت میراث فرهنگ محلی برای رفاه مردم محلی؛

۳. اذعان به اهمیت ویژه بقایای انسانی آبا و اجدادی محلی و محوطه‌های حاوی یا همراه با چنین بقایایی برای مردم محلی؛

۴. اذعان به اهمیت روابط بین مردم محلی و میراث فرهنگی، صرف‌نظر از وجود مالکیت قانونی؛

۵. اذعان به اینکه میراث فرهنگ محلی، به درستی به بازماندگان میراث محلی تعلق دارد؛

۶. اذعان و تشخیص روش‌شناسی محلی برای تفسیر، گردآوری، مدیریت و حفاظت میراث فرهنگ محلی؛

۷. ایجاد مشارکت و روابط برابر بین اعضاء و مردم محلی که میراث فرهنگی آنها در دست بررسی است؛

۸. هر زمانی که ممکن باشد، به دنبال نمایندگان افراد محلی در نهادهای سرمایه‌گذار یا سیاست‌گذار برای پژوهش‌ها باشیم تا از توجه به دیدگاه‌های انتقادی آنها اطمینان حاصل شود؛ زیرا در وضع موازین پژوهشی، پرسش‌ها، اولویت‌ها و اهداف اهمیت حیاتی دارد (اسکار و جفری اسکار، ۱۳۹۴: ۱۳۹-۱۴۰؛ Tarlow, 2001: 256).

همچنین انجمن باستان‌شناسی آمریکا اصول اخلاقی باستان‌شناختی را در ۱۹۹۶ به شرح زیر تصویب کرده است:

اصل اول: حفاظت بقایای باستان‌شناختی؛

اصل دوم: پاسخ‌گویی؛

اصل سوم: ممنوعیت دادوستد آثار باستانی؛

اصل چهارم: آموزش‌های مردم و افزایش دانش همگانی؛

اصل پنجم: حقوق فکری و پژوهشی؛

اصل ششم: گزارش و انتشار؛

اصل هفتم: ثبت و ضبط و نگاهداری؛

اصل هشتم: آموزش و به‌روز شدن باستان‌شناسان و استفاده از معیارهای معاصر کاربردی حرفه‌ای (Lynott, 1997: 592).

جدول ۱: اخلاقیات در باستان‌شناسی؛ اظهارات اخیر درباره اخلاق باستان‌شناسی (McGill, 2014: 2460)

صاحب‌نظر	نظر
(McGuire, 2003: 6)	امروزه مباحث اخلاقی بیشتر بر روابط فردی تأکید دارد.
(Lynott, 2003: 25)	دستورالعمل‌های اخلاقی برای کمک به متخصصان به‌منظور رسیدن به اهداف اختصاصی‌شان، شرایطی پیچیده‌تر از جامعه‌ای دارند که در آن زندگی و به‌فعالیت مشغول‌اند.
(ColwellChanthaphonh et al, 2008:4)	اخلاق در باستان‌شناسی مشروط و براساس استدلال‌های اخلاقی، دیدگاه‌های جهانی و اهداف متکی به روش‌های معین برای ارتباط با گذشته است که ممکن است دارای اساس و یا بی‌پایه باشد یا هرکسی آن را به اشتراک گذاشته باشد.
(Scarre & G. F Scarr, 2009: 3)	باستان‌شناسان باید به هر شکل ممکن، در جست‌وجوی تحقق بلندترین اهداف حرفه‌ای خود باشند. تصمیم‌گیری درباره آن چیزی که هستند، مهم‌ترین بخش اخلاق باستان‌شناختی است؛ تعیین نحوه دستیابی آنها به این مهم، بخش مهم دیگری از اخلاق باستان‌شناختی است.
(Wylie, 2003: 13)	باید اصول اخلاقی و رفتاری به‌عنوان اصولی در حال پیشرفت و پویا باشند؛ این شاخص‌ها هرگز قطعی نیستند، هرگز روی سنگ‌نوشته نشده‌اند... فقط از طریق چنین فرآیند فعالی است که باستان‌شناسان می‌توانند پاسخ‌گوی اعمال خود باشند.
(McGill, 2014: 2460)	برای اینکه بحث اخلاق برای همگان معنادار باشد، باید به باستان‌شناسی فراتر از مجموعه روش‌های برگرفته‌شده از نظریات بنگریم... این عمل اخلاقی علمی باید بررسی کامل روابط بین دانشمندان را شامل شود. در ارتباط با باستان‌شناسی ضروری است که باستان‌شناسان آگاه باشند که سرخ‌پوستان آمریکایی یکی از سهام‌داران اولیه در گذشته پیچیده و چندوجهی‌ای هستند که به هیچ‌کس تعلق ندارد، ولی همه آن را کنترل می‌کنند.

جدول ۲: اخلاقیات در باستان‌شناسی؛ مسئولیت‌های ثبت باستان‌شناختی (McGill, 2014: 2463)

صاحب‌نظر	نظر
موسسه باستان‌شناختی آمریکا	باستان‌شناسان به‌عنوان ناظران ثبت باستان‌شناختی، باید فعالانه برای حفاظت موارد ثبت‌شده در تمامی ابعاد و در طولانی‌مدت تلاش کنند.
انجمن باستان‌شناختی استرالیا	اعضا حمایت خود را از حفاظت، مراقبت و نگهداری محوطه‌ها، مجموعه‌ها، گالری‌ها و موارد ثبتی و بایگانی‌شده باستان‌شناختی اعلام ... و ضرورت مدیریت صحیح بقایای باستان‌شناختی را مطابق با توافق‌های مشترک اعضا، حمایت و پشتیبانی می‌کنند.
انجمن باستان‌شناسی کانادا	ما اعضای انجمن انتظار داریم برای بقایای باستان‌شناختی و برای کسانی که به این منابع غیرقابل جایگزین و تجدیدناپذیر علاقه و برای حفظ آنها مشارکت دارند، احترام قائل شویم.
انجمن باستان‌شناسان اروپایی انجمن باستان‌شناسی ژاپن	اطمینان از حفاظت میراث باستان‌شناختی با هر وسیله قانونی، وظیفه هر باستان‌شناسی است. اعضا می‌دانند که محوطه‌ها، پدیده‌ها و صنایعی که باستان‌شناسان از آنها به‌عنوان اشیای مورد مطالعه استفاده می‌کنند، میراث گران‌بهای تاریخی و فرهنگی بشر هستند و برای حفاظت و به‌کارگیری این مواد تلاش می‌کنند.

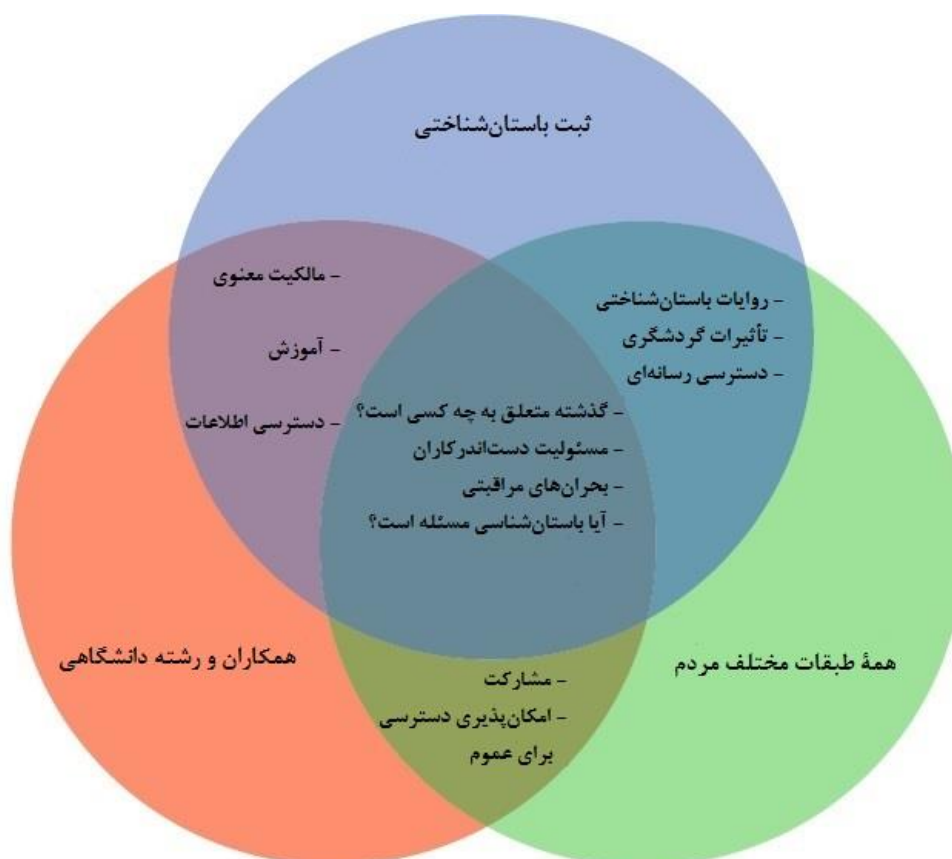
تلاش برای حفاظت و نگهداری طولانی‌مدت آثار ثبت‌شده باستان‌شناختی با تمرین و ترویج و نظارت، وظیفه هر باستان‌شناسی است.	جامعه باستان‌شناسی آمریکا
اعضا به اهمیت حفاظت میراث فرهنگی محلی برای رفاه مردم محلی اعتراف می‌کنند (McGill, 2014:2463).	کنگره جهانی باستان‌شناسی

جدول ۳: اخلاقیات در باستان‌شناسی؛ مسئولیت‌های مرتبط با مردم (McGill, 2014: 2463)

صاحب‌نظر	نظر
موسسه باستان‌شناسی آمریکا	ارتباط با عموم مردم برای ماهیت پژوهش باستان‌شناختی از وظایف باستان‌شناسان حرفه‌ای است. باستان‌شناسان باید به آداب‌ورسوم و نگرش‌ها حساس باشند و از تأثیر قبل و بعد از پژوهش و کار میدانی بر مردم محلی آگاه باشند.
انجمن باستان‌شناسی استرالیا	اعضاء برای دستیابی به رضایت آگاهانه نمایندگان جوامع مرتبطی که میراث فرهنگی آنها در دست بررسی است، مذاکره می‌کنند و به همین‌منظور هرگونه تلاش عاقلانه‌ای را به‌کارمی‌بندند.
انجمن باستان‌شناسی کانادا	اعضاء به اینکه مردم محلی به حفاظت و مدیریت آثار باستان‌شناختی، تفسیر و شناسایی و معرفی آن علاقه بنیادی دارند، اذعان می‌کنند.
انجمن باستان‌شناسان اروپایی	باستان‌شناسان باید در هر زمانی ارزیابی‌های بوم‌شناسی و مفاهیم اجتماعی کار خود را در جوامع محلی انجام دهند.
انجمن باستان‌شناسی ژاپنی	در بررسی و پژوهش؛ اعضاء به تاریخ، فرهنگ و محیط طبیعی محلی احترام می‌گذارند و به روابط خود با جوامع محلی توجه نشان می‌دهند.
انجمن باستان‌شناسی آمریکایی	پژوهش‌های باستان‌شناختی مسئول و با حسن نیت، برای مشورت فعالانه با گروه‌های تحت تأثیر، به تصدیق مسئولیت و تعهدی عمومی برای هر تلاش معقولی نیازمندند.
کنگره جهانی باستان‌شناسی	اعضاء توافق دارند که آنها در قبال مردم بومی وظایفی دارند که باید انجام دهند... . اعتراف به اهمیت میراث فرهنگی بومی... برای بقای فرهنگ‌های بومی الزامی است (McGill, 2014:2463).

جدول ۴: اخلاقیات در باستان‌شناسی؛ مسئولیت‌های مرتبط با همکاران و رشته (McGill, 2014: 2464)

صاحب‌نظر	نظر
موسسه باستان‌شناسی آمریکا	باستان‌شناسان حرفه‌ای به توجیه همکاران، رعایت عدالت و پرهیز از سرقت ادبی متعهدند.
انجمن باستان‌شناسی استرالیا	اعضاء با یکدیگر به طریق حرفه‌ای رفتار خواهند کرد... و نتایج کامل کار خود را منتشر می‌کنند.
انجمن باستان‌شناسی کانادایی	اعضا باید پیشرفت‌های مداوم در تخصص‌ها، برخورداری از آموزش کافی...، ارائه مدرکی مناسب...، احترام به همکاران و مشارکت با آنها را رعایت کنند.
انجمن باستان‌شناسان اروپایی	باستان‌شناسان کار خود را با بهترین استانداردهای تعیین‌شده‌ای انجام خواهند داد که همکاران حرفه آنها تعریف کرده‌اند.
انجمن باستان‌شناسی ژاپنی	اعضا برای پیشبرد قابلیت‌های حرفه خویش تلاش می‌کنند... و برای انجام دادن کار خود تمام تلاش خود را به‌کارمی‌بندند... . اعضاء هر تدبیری را برای اطمینان از ایمنی و بهداشت و احترام به حقوق بشر به‌کارمی‌گیرند.
جامعه باستان‌شناسی آمریکایی	باستان‌شناسان باید از مهارت، تجربه، امکانات کافی و حمایت‌های ضروری دیگر که با استانداردهای رایج متناقض نباشد، اطمینان داشته باشند.



شکل ۱. اخلاقیات باستان‌شناسی؛ حوزه‌های سه‌گانه مسئولیت باستان‌شناسان و متقاطع بودن موضوعات (McGill, 2014: 2464).

۴. اخلاق در عمل باستان‌شناسی

اغلب بایدهای اخلاقی صرفاً پندآموز هستند. می‌توان استدلال کرد که این اصول تنها متونی بی‌ضرر، شاید با نقشی سازنده در ترویج مباحثه و آموزش دانشجویان و همکاران باستان‌شناسی باشند (Tarlow, 2001: 254). آموزش اخلاق و بازتاب مداوم آن در متون آموزشی و منشورهای سازمان‌ها و انجمن‌های حرفه‌ای در عمل بازتاب یافته است و شاغلان در این حوزه، خود را مقید می‌دانند که به اصول اخلاقی عمل کنند. در باستان‌شناسی منظور از اخلاق در عمل، هرگونه رفتاری است که باستان‌شناسان در حوزه آموزش و عمل در بررسی‌ها و کاوش‌های میدانی، حفاظت از اشیاء باستانی و اموال فرهنگی تاریخی و معرفی آنها انجام می‌دهند. مشکلات اخلاقی باستان‌شناسی، به‌ویژه برای پژوهشگران میدانی بیشتر ملموس و قابل ارزیابی است؛ به طوری که بازتاب کار آنها مرجعی از تجربه‌ها می‌شود (اسکار و جفری اسکار، ۱۳۹۴: ۱). از نظر هادر، باستان‌شناسی مکان‌ساز و تاریخ‌ساز است و می‌تواند نقش تولیدی مهمی داشته باشد (Hodder, 2010: 864). اصل چهارم انجمن باستان‌شناسی آمریکا با تشویق انتشار گزارش‌های محوطه‌های باستانی، باستان‌شناسان را به حفاظت و تفسیر گذشته ترغیب می‌کند (Lynott & Wylie 2000: 23). توسعه و گردشگری هر دو می‌توانند محوطه‌های باستان‌شناختی و تحقیقات علمی را تقویت و تهدید کنند. محوطه‌های گردشگری زمینه مناسبی برای هدف اخلاقی باستان‌شناسان هستند که همان آموزش عمومی درباره باستان‌شناسی و گذشته است. علاوه بر این، باستان‌شناسان باید گزارش‌نویسی علمی را برای عموم مردم انجام دهند. محوطه‌های گردشگری فراتر از

آموزش، زمینه‌هایی برای اثر مقابل، مذاکره و همکاری بین مردم و باستان‌شناسان هستند. باستان‌شناسان باید برای درک بهتر داده‌های جمع‌آوری‌شده غیر باستان‌شناختی در تحقیقات و در آموزش به مردم درباره اهمیت حفاظت از گذشته مشارکت داشته باشند (McGill & et al. 2012: 185). جیمز یانگ (James O. Young) درباره مالکیت اشیاء به‌دست‌آمده از کاوش‌های باستان‌شناختی و تعلق آنها به یک فرهنگ، یک ملت یا در واقع همه بشریت هشدار می‌دهد (Scarre and G.F scarre 2009: 5) از دیدگاهی انسان‌شناسانه، مفاهیم مرتبط با مالکیت تا حد زیادی از فرهنگی به فرهنگ دیگر تفاوت پیدا می‌کنند. ممکن است جوامع سنتی اشیاء فرهنگی خاصی را از خود جدایی‌ناپذیر و انتقال‌ناپذیر بدانند؛ بدین معنا که مالکیت آنها نه به‌صورت شخصی، بلکه در قالب جامعه یا طایفه‌ای بزرگتر به آنها تفویض شده است (اسکار و جفری اسکار، ۱۳۹۴: ۸). ساندرام. دینگلی (Sandra M. Dingli) معتقد است که گذشته متعلق به هیچ‌کس نیست، بلکه میراثی فرهنگی برای همه است که نسل‌های آینده را نیز شامل می‌شود (Dingli, 2009: 223).

ممکن است سیاستمداری برای بعضی از یافته‌های جدید باستان‌شناختی شور و اشتیاقی در مردم ایجاد کند تا از این طریق، احساسات شدید میهن‌پرستانه را برای رسیدن به اهداف و مقاصد خود به کار گیرد. در چنین شرایطی، اهمیت هر اثری را برای یک فرهنگ باید کم‌اعتبار دانست. در هر صورت، هنگامی که اهمیت برخی از آثار به طور تصنعی شکل گرفته باشد، بعید به نظر می‌رسد که اهمیتی مادی یا طولانی‌مدت باشد (همان: ۳۳). درباره رابطه باستان‌شناسان و سیاستمداران برخی موارد اخلاقی باید رعایت شوند؛ ایان هادر، حفار پروژه جهانی چاتال هیوک (Çatalhöyük) از نگرانی‌های خویش درباره زیاده‌خواهی سیاستمداران و استفاده تبلیغی از محوطه مذکور به‌صورت مبسوط سخن گفته است (Hodder, 2002: 175). باستان‌شناسان از نظر اخلاقی موظف هستند در مناطقی که از لحاظ هویت‌های قومی، سیاسی و ناسیونالیستی حساس هستند؛ کار، گزارش و یافته‌های خود را عیناً ثبت کنند و از کم‌کاری و اغراق به‌شدت بپرهیزند. معمولاً باستان‌شناسان در این‌گونه محوطه‌ها با تنش زیاد اجتماعی، مذهبی یا تقابل‌های سیاسی مواجه می‌شوند که باید در این‌گونه موارد بر اساس شرایط موجود عمل کنند و نه بر اساس شرایطی که باید باشد (Carman, 2009: 178).

باستان‌شناسی فعالیتی است که نظریه، روش‌شناسی و معیارهای اخلاقی خود را دارد و فرآورده‌های آن ممکن است مورد استفاده غیرحرفه‌ای‌ها و سیاستمداران قرار گیرد؛ برای مثال، در بلغارستان باستان‌شناسان به‌عنوان متولیان گذشته ملی، فعالانه در موقعیت‌های مهم سیاسی و شغل‌های دولتی مشارکت می‌کنند. در اسرائیل سیاستمداران و فرماندهان نظامی شناخته‌شده در زمره باستان‌شناسان بوده‌اند. در ایران دوره پهلوی نیز برای اهداف و مقاصد سیاسی و ترویج ستایش ایران باستان از دانش و یافته‌های باستان‌شناختی برای اهداف سیاسی استفاده شده است (Shnirelman, 2014: 5158).

۵. اخلاقیات در آموزش باستان‌شناسی ایران

نیم‌نگاهی به امکانات و تجهیزات مراکز آموزشی و پژوهشی باستان‌شناسی و میراث فرهنگی کشور، ما را با واقعیت‌ها، ضرورت‌ها و نیازهای حقیقی آن آشنا می‌کند (زارع، ۱۳۸۲: ۸). باستان‌شناسی ایران در بعد آموزشی عمومی خود، نه‌تنها ناکام مانده است، بلکه در این جهت تلاشی نیز از خود نشان نمی‌دهد (عبدی، ۱۳۸۸: ۱). با گذشت ۱۵۰ سال از آغاز فعالیت‌های باستان‌شناسی در ایران و نیز قریب هشت دهه از آغاز آموزش رشته

باستان‌شناسی، هنوز محتوای آموزشی دروس این رشته ماهیت کاربردی مطلوبی ندارد (سعیدی و چایچی امیر خیز، ۱۳۹۱: ۶۰). باستان‌شناسی با وجود گذشت سال‌های بسیار، روش‌شناسی خاص خود را وضع نکرده است (یداللهی و یلوه‌ای، ۱۳۹۰: ۱۸۴-۱۸۵). ارتباط بین‌رشته‌ای در عرصه باستان‌شناسی ایران مغفول مانده است (زارع، ۱۳۷۸: ۵).

یکی از محورهای مهم در نظام آموزش هر جامعه‌ای، آموزش اخلاقیات است. به لحاظ کمی و کیفی، آموزش در حیطه اخلاق در مقاطع مختلف تحصیلی در ایران به نحو مطلوبی صورت نمی‌گیرد (سلمان ماهینی و دیگران، ۱۳۹۳: ۶۰). بر اساس سرفصل درسی مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی درسی وزارت علوم، تاکنون هیچ سرفصلی با عنوان «اخلاق در باستان‌شناسی» برای رشته باستان‌شناسی تصویب نشده است و اکنون نیز نه تنها این عنوان تدریس نمی‌شود، بلکه منابع مکتوب نیز در این حوزه بسیار کم تألیف یا تدوین شده است. این در حالی است که در اکثر گروه‌های آموزش باستان‌شناسی دنیا، همانند دانشگاه بوستون^۷ و دانشگاه ایندیانا^۸ پنیسیلوانیا^۹ در مقاطع مختلف، واحد درسی «اخلاقیات در باستان‌شناسی» تدریس می‌شود. سازمان انتشارات کتاب‌های دانشگاهی (سمت) که کتاب‌های آموزشی باستان‌شناسی را منتشر می‌کند، از سال ۱۳۷۴ تا پایان ۱۳۷۹ تنها ۱۰ عنوان و تا پایان سال ۱۳۹۱، ۶۰ عنوان کتاب چاپ کرده است (سعیدی و چایچی امیرخیز، ۱۳۹۱: ۷۳). در هیچ‌یک از این کتاب‌ها، مبحثی درباره اخلاق دیده نمی‌شود. در کتاب‌هایی که پژوهشگاه میراث فرهنگی و پژوهشکده باستان‌شناسی نیز منتشر کرده‌اند، به بحث توسعه اخلاق در فعالیت‌های باستان‌شناسی توجه نشده است.

ترویج اخلاق در سازمان‌ها و هر مؤسسه آموزشی بر اصول معینی استوار است (باقری و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۱). از جمله سازمان‌هایی که باید اخلاق در آنها رعایت شود، موزه‌های میراث فرهنگی هستند. انبوهی از اشیاء و اموال فرهنگی تاریخی و هنری این سرزمین که هرکدام ارزش زیبایی‌شناسی و هنری خاص خود را دارد و می‌تواند برای کشور ارزش افزوده تولید کند، در انبار موزه‌ها با وضع نادرستی انباشت شده‌اند. تنها کافیست به انبار موزه‌های داخل ایران، مانند موزه ملی ایران سری بزنیم تا به حجم عظیمی از یافته‌های باستان‌شناختی پی‌بریم که آنها را مطابق اصول استاندارد به نمایش نگذاشته‌اند (پاپلی یزدی و مسعودی، ۱۳۹۳: ۵-۶). همچنین این مشکل درباره تپه‌ها و محوطه‌ها نیز صادق است (یداللهی و یلوه‌ای، ۱۳۹۰: ۱۸۹). رویکرد اخلاق حفاظتی در موزه‌های ایران نزدیک به هیچ است؛ رویکرد اخلاق حفاظتی بر پایداری (Sustainability) اثر فرهنگی در هرگونه عمل، مواجهه، شرایط نگهداری و استفاده از آن تأکید دارد. با رعایت اصل حفاظت پایدار است که می‌توانیم اسناد و شواهد باستان‌شناختی را برای نسل‌های آینده نگهداری کنیم (اسکار و جفری اسکار، ۱۳۹۴: ۱۵۸). باستان‌شناسان صاحبان اسناد باستان‌شناختی نیستند، بلکه فقط آنها موظف‌اند برای حفاظت و نگهداری بلندمدت این اسناد و ارتقاء درک عمومی تلاش کنند (همان: ۲۲۱). این در حالیست که باستان‌شناسان ایرانی اشیاء کشف شده را در محوطه‌هایی که کاوش کرده‌اند در انحصار خود می‌دانند؛ به طوری که عملاً کسی حق اظهارنظر و نوشتن درباره یافته‌های باستان‌شناختی آنها را ندارد!

۶. اخلاق عملی در باستان‌شناسی ایران

امروزه ضرورت نقد چشم‌انداز عمومی باستان‌شناسی ایران، به شدت درک می‌شود (یداللهی و یلوه‌ای، ۱۳۹۰: ۱۷۷). یکی از عمده‌ترین معضلات باستان‌شناسی ایران، فقدان رویکرد انتقادی آن است. درباره زمینه‌های

توسعه‌نیافتگی باستان‌شناسی در ایران چندان بحث نشده است (زارع، ۱۳۸۲: ۶). باستان‌شناسی ایران دانشی وارداتی است که با اجزا و لایه‌های گوناگون جامعه ارتباط برقرار نکرده (گاراژیان، ۱۳۸۷: ۹۰) و بنیان‌های معرفتی و فلسفی آن رشد نکرده است (زارع، ۱۳۷۸: ۴)، هرچند در سال‌های اخیر اندیشمندان فرامردن امکان تقریر و تفسیر داده را طرح کرده‌اند (پاپلی یزدی، ۱۳۸۵: ۷۹). توصیف، به تعریف و تفسیر ما در بازسازی گذشته کمک می‌کند (Mortazavi, 2010: 147).

با وجود رهیافت تفسیر و روش‌های تفسیری، این رهیافت و روش‌ها در باستان‌شناسی ایران عملاً به کار گرفته نمی‌شود. برخی از باستان‌شناسان ادعا می‌کنند که روش علمی را دنبال می‌کنند، اما هنگامی که کارشان بررسی می‌شود، به نظر می‌رسد که تقلب می‌کنند؛ زیرا آنها می‌خواهند نظریاتشان ثابت شود (Ibid: 148)؛ به عبارت دیگر، بخش زیادی از جامعه باستان‌شناسی ایران که مسئولیت امور میدانی، به‌ویژه حفاری و بررسی را برعهده دارند خود به مصرف‌کننده اصلی خروجی‌های باستان‌شناسی و تبدیل‌کننده این خروجی‌ها به ابزار تأیید گرایش‌های شخصی خود و دیگران مبدل شده‌اند. یکی از اقداماتی که برای رفع این نقص می‌توان انجام داد، برقراری سنت مباحثه نظری و روش‌شناختی در جامعه باستان‌شناسی ایران است. چنین سنتی نیازمند فرهنگی خاص و مبتنی بر اهتمام در فراگیری و درک مبانی لازم، ارائه اندیشه‌های نو، آمادگی برای قبول و تحمل افکار دیگران، ارتقاء خصلت‌های رفتاری متناسب با مجادلات علمی، پرهیز از تعصبات شخصی، قومی، ملی و امثال آن در تحلیل‌ها و استنتاج‌های باستان‌شناختی است (یداللهی و یلوه‌ای، ۱۳۹۰: ۱۸۷)؛ جملاتی از قبیل «این تپه مهم‌ترین مرکز سیاسی - نظامی در هزاره فلان بوده است»، «این محوطه حاوی آثاری است که قدیمی‌تر از محوطه‌های دیگر است.» و «تمدن‌های همسایه در هزاره فلان همه از این تمدن نشئت گرفته‌اند.» و امثال آن، از جمله نشانه‌های چنین برخوردی است. در اینجا، دیگر داده‌ها اهمیت چندانی ندارند؛ زیرا به هر قیمت می‌باید در چارچوب دلخواه باستان‌شناس یا حفار قرار گیرند (همان: ۱۸۶). خواسته‌های تمامی اقشار جامعه و کسانی که میراثشان با اهداف پژوهش‌های باستان‌شناسی گره خورده است، باید در اهداف پژوهشی آنها لحاظ شود (اسکار و جفری اسکار، ۱۳۹۳: ۱۴۹). اخلاق عملی باستان‌شناسی می‌تواند در موارد ذیل جلوه‌گر شود:

- ۱- تمامی اعضای باستان‌شناسی باید از قوانین ملی و بین‌المللی درباره آثار باستان‌شناختی تبعیت کنند؛
- ۲- باستان‌شناسان باید به وظایف خود در برابر مردم و جامعه آگاه و پایبند باشند؛
- ۳- اعضای گروه باستان‌شناسی باید کارها را با دقت، مهارت و قدرت تشخیص انجام دهند؛
- ۴- عضو گروه باید زمانمند و مسئولانه عمل کند. او باید مسئولیت کارش را بپذیرد و امور ثبت‌شده را طبق درخواستی که از او شده است، به سرپرست کار میدانی تحویل دهد؛
- ۵- اعضای گروه باید در انتقال و مطرح کردن ایده‌هایی شخصی به سرپرست کمک و به این وسیله فرصت‌هایی را برای اعضای دیگر در جهت افزایش دستاوردهای باستان‌شناختی فراهم کنند؛
- ۶- هیچ عضوی از گروه نباید اعضای دیگر را تحقیر کند. همکارانی که وظایف خود را به‌خوبی انجام نمی‌دهند، باید پاسخگو باشند؛
- ۷- اعضای گروه نباید کار اعضای دیگر گروه را بدون رضایت سرپرست کار میدانی بازبینی کنند؛

۸- اعضای گروه تا هنگامی که در کاوشی شرکت می‌کنند، نباید بدون آگاهی قبلی سرپرست کار میدانی، به کار دیگری مشغول شوند؛

۹- اعضای گروه باید به آداب و رسوم ساکنان منطقه حساس باشند و در مواجهه با آنها با احترام رفتار کنند؛

۱۰- هیچ محوطه باستان‌شناختی هرگز به یک باستان‌شناس تعلق ندارد و مهم نیست چه مدت آن را بررسی کرده باشد (parks, 2009: 91)؛

۱۱- باستان‌شناسان مسئولند داده‌ها را به بهترین نحو ممکن تفسیر کنند. آنها باید به نتایج تفاسیر، ارتباط آن با مردم و مکان‌های مورد مطالعه اهمیت دهند (Mortazavi, 2010: 144)؛

۱۲- تمامی فعالیت‌های میدانی باستان‌شناسی باید در راستای توسعه پایدار میراث فرهنگی اعم از اقدام به تأسیس موزه در محل کاوش، حفاظت پایدار آثار، ارتباط با مردم محلی و رعایت اصول باستان‌شناسی عمومی باشد (اسکار و جفری اسکار، ۱۳۹۴: ۸۳)؛

۱۳- سرپرست کاوش باید قبل از کاوش در محل، مخصوصاً مکان‌هایی که در مالکیت خصوصی و عموم مردم هستند، رضایت صاحبان ملک را در تعامل با آنان کسب کند؛^۹ اگر این کار صورت نگیرد، دقیقاً معرف «استعمارگری علمی» است که با آن داده‌ها از یک جامعه استخراج می‌شوند و در جایی دیگر به دانش تبدیل می‌شوند، بدون اینکه منافع علمی یا اقتصادی آن به نزدیک‌ترین افراد آن منابع برسد (اسکار و جفری اسکار، ۱۳۹۴: ۱۰۷).

عدم پایبندی به اخلاقیات از مسائل حاد باستان‌شناسی ایران است. تقریباً تمامی کاوش‌های (به اصطلاح علمی) انجام شده در ایران، بر مبنای پایداری نبوده‌اند و بعد از اندک مدتی به حال خود رها و به زباله‌دانی تبدیل می‌شوند. تقریباً تمامی این کاوش‌ها، با شرایط کاوش علمی به مفهوم متداول آن، همخوانی لازم را ندارد؛ چراکه در مفهوم متداول کاوش علمی، محوطه‌ها «منبع» تلقی می‌شوند که هرگونه اقدام در محوطه باید بر مبنای چارچوب پایداری و حفاظت همیشگی باشد؛ به همین دلیل است که کاوشگران باستان‌شناسی باید قبل از طرح کاوش، طرح حفاظت را بر مبنای پایداری ارائه کنند.

جایگاه روش‌شناسی و پیروی از یک یا چند روش‌شناسی مشخص در عمل باستان‌شناسی ایران وجود ندارد. کاوش‌ها در بسیاری موارد یا مطابق تمایلات شخصی است و یا در چارچوب الگوهایی تدوین می‌شود که در دهه‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰ م. رایج بوده است (یداللهی و یلوه‌ای، ۱۳۹۰: ۱۹۰). در بررسی‌های میدانی باید یافته‌ها، اعم از سفال و سایر داده‌ها در محل مطالعه و در همان‌جا رها شوند، نه اینکه با وانت‌بار! به محل کار باستان‌شناسان منتقل شود؛ کاری که در باستان‌شناسی ایران به‌طور معمول انجام می‌شود.

۷. نتیجه

باستان‌شناسی در ایران، دانشی وارداتی است که قبل از هر چیز باید قابل‌انعطاف با رهیافت‌های باستان‌شناسی جهان باشد. این دانش در ایران از نظر رعایت چارچوب اخلاقی، نه منطبق بر اخلاق حرفه‌ای دانش باستان‌شناسی جهان است و نه منطبق بر اخلاق رایج منبعث از اخلاق اسلامی ایرانی که همواره بر اصل پایداری پدیده‌ها، اصل عدالت و عدم تبعیض و اصل قرار ندادن پدیده‌ها در امور نامربوط دیدگاهی و نظری

تأکید کرده و مفاهیم و مضامینی همچون عبرت گرفتن، مطالعه احوال گذشتگان و ارتباط و پیوند فکری - فرهنگی گذشتگان با جوامع معاصر و مسئولیت در مقابل آیندگان را همواره برای تمامی نسل‌ها در همه زمان‌ها و مکان‌ها به جهت «رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» بودن در آیه‌های مختلف تکرار کرده است. هدف از نوشتن این مقاله بر مبنای رویکردی انتقادی، تعیین اختلاف و شکاف بین هدف دانش باستان‌شناسی و وضعیت موجود اخلاقیات باستان‌شناسی در ایران بوده است تا از این طریق، به رهایی از وضع موجود کمک شود. نخستین گام در این نوع رویکرد، روشنگری است. بر این اساس، معیارهای اخلاقیات در باستان‌شناسی جهان از منظرهای مختلف، اعم از صاحب‌نظران و انجمن‌های حرفه‌ای ارائه شده و تقریباً از هیچ معیار بیرونی برای ارزیابی اخلاقیات در دانش باستان‌شناسی ایران استفاده نشده است. این فرآیند نشان می‌دهد که موضوع اخلاق در باستان‌شناسی ایران نادیده گرفته شده است؛ چراکه تبیین و تدوین چارچوب‌های اخلاقی، ابتکار عمل متولیان باستان‌شناسی ایران را محدود می‌کند و در این مسیر نقش بازدارندگی خواهد داشت.

تصمیم‌گیری درباره آن چیزی که مهم است، مهم‌ترین بخش اخلاقیات باستان‌شناختی است. تعیین نحوه دستیابی به اطلاعات سایر همکاران باستان‌شناس و امکان دسترسی عموم مردم برای محوطه‌ها، حفاظت پایدار و چگونگی آن، بخش مهم دیگری از اخلاقیات باستان‌شناختی است. داشتن شاخص‌هایی پایه‌ای برای اخلاق حرفه‌ای در باستان‌شناسی ایران، پاسخ‌گویی را در برابر اعمالی که در محوطه‌ها انجام می‌شود، تسهیل خواهد کرد؛ محوطه‌هایی که دارایی فرهنگی ملی تلقی می‌شوند. حفاظت از بقایای کوش و مدیریت صحیح از مواد باستان‌شناختی با هر وسیله قانونی ممکن، وظیفه هر باستان‌شناس است. ارتباط با عموم مردم، تفسیر و ارائه گذشته، از وظایف اخلاقی باستان‌شناس تلقی می‌شود.

موضوعات مورد مطالعه باستان‌شناسی آثار فرهنگی، تاریخی، هنری و معماری هستند که بازمانده وضعیت زندگی مردمان دوره‌های مختلف تاریخی و فرهنگی هستند. برای ارتباط با عموم مردم، باستان‌شناسان همواره نیازمند نمادها و عینیت‌بخشی به میراث فرهنگی ملموس و ناملموس هستند تا تجربه معناداری از گذشته داشته باشند. عینیت‌بخشی؛ عامل گردآورنده از منظر ساختاری، روانی، اجتماعی و فرهنگی است که تجربه معنادار گذشته و زیست جهان‌ها را در عناصر و پدیده‌های مورد مطالعه باستان‌شناسی ممکن می‌سازد. فرموله کردن قواعد روش‌شناسی برای رسیدن به فهم عینی و ارتباط با مردم باید با اخلاقیات حرفه‌ای باستان‌شناسی منطبق باشد.

تعامل و همکاری متقابل و سازنده میان همکاران باستان‌شناس، مردم و باستان‌شناسان در ایران وجود ندارد و همین مطلب، موجب شده است که باستان‌شناسی دغدغه مردم نباشد. باستان‌شناسان در روایت باستان‌شناسی برای مردم، در بُعد رسانه‌ای و نشان دادن تأثیرات توسعه‌ای آن، به‌ویژه در گردشگری موفقیتی کسب نکرده‌اند. به‌کارگیری اصول اخلاقی، بسیاری از مشکلات باستان‌شناسی ایران را حل می‌کند و یا بهبود خواهد بخشید. آموزش تخصصی اخلاقیات به باستان‌شناسان در این زمینه بسیار راهگشاست. مباحث اخلاقی باستان‌شناسی باید در دانشگاه‌ها به دانشجویان آموزش داده و اهمیت و ضرورت آن تبیین شود. عمل به اخلاقیات و پایبندی به اصول اخلاقی، باستان‌شناسی را از ایستایی به پویایی خواهد رساند و موجب توسعه پایدار در حوزه بی‌کران میراث فرهنگی ملموس و ناملموس کشور خواهد شد.

پی‌نوشت

۱. این مورد را نگارندگان با توجه به بررسی سرفصل‌های ابلاغی رشته باستان‌شناسی در سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری از سوی وزارت علوم ابراز می‌کنند.

2. ROPA (The Register of Professional Archaeologists)

3. SAA (The Society for American Archaeology)

4. AIA (The Archaeological Institute of America)

5. EAA (The European Association of Archaeologists)

۶. ایالتی در غرب ایالات متحده آمریکا

7. Boston University (<http://www.bu.edu>)

8. Indiana University of Pennsylvania (<http://www.iup.edu>)

۹. مالکیت محوطه‌ها در ایران در اختیار دولت و سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری متولی آن است که آیین‌نامه خاصی دربارهٔ کاوش در زمین مالکان خصوصی تدوین نشده است.

منابع

- اسکار، کریس و جفری اسکار (۱۳۹۴)، *اخلاق باستان‌شناسی: دیدگاه‌های فلسفی در باستان‌شناسی*، ترجمهٔ حسین صبری، چاپ اول، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- باقری، حسین و دیگران (۱۳۸۹)، «*اخلاق حرفه‌ای در مدیریت*»، پژوهش‌نامه *اخلاق*، سال سوم، شماره ۷ و ۸، ۹-۲۸.
- بهشتی، محمد (۱۳۹۳)، «*اخلاق در فلسفه اشراق*»، پژوهش‌نامه *اخلاق*، سال هفتم، شماره ۲۳، ۲۳-۳۸.
- پاپلی یزدی، لیلیا (۱۳۸۵)، «*گمشده باستان‌شناسی ایران: پلکانی از فرض تا تفسیر (یادداشتی بر نقد کتاب زیگورات سیلک)*»، *باستان‌پژوهی*، شماره ۱۴، ۷۹-۸۱.
- پاپلی یزدی، لیلیا و آرمان مسعودی (۱۳۹۳)، «*گذشته به‌مثابه کالای مصرفی*» پژوهش‌های *انسان‌شناسی ایران*، دوره ۴، شماره ۲، ۱۲۵-۱۳۹.
- جوکوفسکی، مارتا (۱۳۸۹)، «*اخلاق در باستان‌شناسی*»، ترجمه سپیده مازیار، *باستان‌پژوهی: ایران‌شناسی (باستان‌شناسی، میراث فرهنگی و علوم پیوسته) دورهٔ جدید*، سال سوم، شماره ۶، ۲۳-۲۲.
- زارع، شهرام (۱۳۷۸)، «*باستان‌شناسی ایران: ضرورت یا تفنن؟!؟*»، *باستان‌پژوهی*، شماره ۵ و ۶، ۴-۵.
- زارع، شهرام (۱۳۸۲)، «*باستان‌شناسی ایران و چالش‌های پیش‌رو*»، *باستان‌پژوهی*، شماره ۶، ۱۱-۱۰.
- سلمان ماهینی، سکینه، سید مهدی سجادی، هاشم فردانش و احد فرامرز قراملکی (۱۳۹۳)، «*گذری از تحویلی‌نگری در مفهوم آموزش اخلاق به جامع‌نگری در پرتو توجه به جایگاه آن در طبقه‌بندی اهداف آموزشی*»، پژوهش‌نامه *اخلاق*، شماره ۲۶، ۵۹-۷۸.
- سعیدی، محمدرضا، احمد چاپچی امیرخیز (۱۳۹۱)، «*بررسی و تحلیل کیفی و کمی محتوای آموزشی دروس باستان‌شناسی در ایران*»، پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، شماره ۲۶، ۶۰-۸۰.
- عاملی، منیژه (۱۳۸۸)، «*رویکرد نظری به دانش اخلاق حرفه‌ای*»، پژوهش‌نامه *اخلاق*، سال یکم، شماره ۴، ۱۴۸-۱۱۳.
- عبدی، کامیار (۱۳۸۸)، «*باستان‌شناسی و پتانسیل آموزشی آن*»، پژوهش‌های باستان‌شناسی مدرس، تهران، سال اول، شماره دوم.
- گارائیان، عمران (۱۳۸۷)، «*ز دعوی کم کن و بر مطلب افزا: یادداشتی بر یادداشت نخست باستان‌پژوهی*»، *باستان‌پژوهی*، سال دهم، شماره ۱۶، ۸۹-۹۱.
- مهرنیا، حسن (۱۳۸۹)، «*اخلاق ارسطویی توصیفی یا کاربردی مطالعه تطبیقی فلسفه اخلاق از دیدگاه ارسطو و دکارت*»، پژوهش‌نامه *اخلاق*، شماره ۹، ۹۵-۱۲۲.
- یداللهی، سیما و عباس یلوه‌ای (۱۳۹۰)، «*نگاهی تحلیلی به باستان‌شناسی و جایگاه آن در ایران*»، *مطالعات باستان‌شناسی*، شماره ۳، ۱۷۷-۱۹۴.

- Beaudry, M., 2009. Ethical issues in historical archaeology, *International handbook of historical archaeology*, Springer Science +Business Media, LLC 2009.
- Carman, J., 2009. Comments on Gabriel Moshenska: ethics and ethical critique in the archaeology of modern conflict (Norwegian Archaeological Review, 41 (2): 173-182.
- Dingli, S., 2009. A plea for responsibility towards the common heritage of mankind, in Chris Scarre and Geoffery Scarre (eds.), *the ethics of Archaeology*, Cambridge university press, 219-241.
- Frigo, F., 2009. A complementary support to the private international law approach concerning the circulation of cultural property, *International Journal of Cultural Property Society*, 16:49-66.
- Hodder, I., 2002. Ethics and archaeology: the attempt at Catalhöyük, *Near Eastern Archaeology*, 65 (3): 174-181.
- Hodder, I., 2010. Cultural heritage rights: from ownership and descent to justice and well-being, *Anthropological Quarterly*, 83 (4): 861-882.
- Lynott, M. J., 1997. Ethical principles and archaeological practice: development of an ethics policy, *American Antiquity*, 62 (4):589-599.
- Lynott, M.J. and A., Wylie. 2000. Ethics in American archaeology, *Washington DC: Society for American Archaeology*, Second Revised Edition.
- Coleman, M.M., Fink, K., and Krejs, K., 2002. Archaeology, ethics, and character: using our cultural heritage to teach citizenship, *The Social Studies, Project Archaeology in Utah*, 109-112.
- McGill, D., 2014. Ethics in archaeology, in: Claire Smith (ed.), *Encyclopedia of applied ethics*, Springer New York, 2458-2468.
- McGill, D., Colwell-Chanthaphonh, C., Hollowell, J., 2012. Archaeological ethics, *Encyclopedia of Applied Ethics*, Elsevier, Second Edition, 179-188.
- Mortazavi, M. 2010. Irresponsibility in archaeology, *Estonian Journal of Archaeology*, 14, (2): 143-152.
- Paredes-Maury, S. 1998. Surviving in the rainforest: the realities of looting in the rural villages of Ei peten, Guatemala, *The foundation for the advancement of Meso-American studies*. Available at [www.famsi.org/reports.Paredesmaury/paredesmaury.html](http://www.famsi.org/reports/Paredesmaury/paredesmaury.html).
- Parks, S., 2009. Archaeological ethics and the struggle for community legitimacy in the Maya archaeoscape, *Boston University Graduate School of Arts and Sciences*.
- Rae Gould, D., 2014. Native American graves protection and repatriation act, in Claire Smith, *Encyclopedia of global archaeology*, Springer New York: 5160-5163.
- Scarre, C., and Scarre, G. F., 2009. The ethics of archaeology: philosophical perpectives on archaeological practice, *Durham University*.
- Shnirman, V., 2014. Nationalism and archaeology: overview, in Claire Smith, *Encyclopedia of Applied Ethics*, Springer New York, 2458-2468.
- Tarlow, S. 2001. Decoding Ethics, *Public Archaeology*, Volume 1:245-259.
- Wylie, A. 2000. Ethical dilemmas in archaeological practice: looting, repatriation, stewardship and the (Trans) formation of disciplinary identity, in: M.J. and A. Wylie (eds.) *Ethics in American Archaeology*: second revised edition: 138-157.